

اخلاق جنسی قبل از ازدواج در قرآن و عهدین

عنایت‌الله شریفی*

دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹)

چکیده

اخلاق جنسی قبل از ازدواج یکی از مهم‌ترین مباحث اخلاق است که در ادیان و مکاتب مختلف بدان توجه شده است. این مقاله درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی بایدها و نبایدهای اخلاق جنسی در قرآن و عهدین را بررسی نماید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را در این زمینه برشمارد. هر سه کتاب تأکید بر عفت و پاکدامنی قبل از ازدواج و پرهیز از بی‌عفتی و روابط جنسی قبل از ازدواج دارند و نیز در هر سه کتاب تأکید بر پرهیز از هم‌جنس‌گرایی، استمناء، چشم‌چرانی و خودآرایی میان دختران و پسران نامحرم شده است. مهم‌ترین تفاوت‌های سه کتاب درباره این مسئله آن است که هم‌جنس‌گرایی در عهد عتیق به صراحت منع نشده است و نیز در این کتاب یاد از استمناء نشده است، ولی در مجموعه‌های هلاخایی برخی با استمنای زنان موافق و برخی دیگر مخالف هستند. درباره لواط، استمناء و مساحقه هیچ اشاره‌ای در انجیل نشده است، ولی هر یک از آن‌ها در قرآن به صراحت و به شدت منع شده است و برای فاعل آن‌ها عقاب و مجازات دنیا و آخرت در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق جنسی پیش از ازدواج، قرآن، تورات، انجیل، عهدین.

* E-mail: enayatsharifi@atu.ac.ir

مقدمه

آن چیزی که امروز در بین یهودیان و مسیحیان رایج است، رفاقت بین زنان و مردان و نیز دختران و پسران نامحرم با یکدیگر است که امری رایج می‌باشد، تا آنجا که نه یهودیان و مسیحیان این کار را برای خود حرام می‌دانند و نه مسلمانان تصور می‌کنند که این کار برای یهودیان و مسیحیان حرام باشد و غالباً تصویر مردم این است که تنها در دین اسلام از این کارها منع شده‌است، ولی این مطلب برخلاف آن چیزی است که در متون دینی دو دین یهودیت و مسیحیت وجود دارد. در متون دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام از آنجا که تعالیم آنان هماهنگ با فطرت آدمی هستند، در بسیاری از مسائل اعتقادی و اخلاقی با هم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که خود بیانگر تطور این سه دین در طول تاریخ است و از همین باب، اخلاق جنسی پیش از ازدواج در آن‌ها اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی دارند. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی این مسئله را بررسی نماید و در این زمینه به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ۱- اخلاق جنسی پیش از ازدواج در قرآن کدامند؟
- ۲- اخلاق جنسی پیش از ازدواج در تورات کدامند؟
- ۳- اخلاق جنسی پیش از ازدواج در انجیل کدامند؟
- ۴- شباهت‌ها و تفاوت‌های اخلاقی جنسی پیش از ازدواج در قرآن، تورات و انجیل کدامند؟

هرچند آثار فراوانی دربارهٔ تطبیق اخلاق و اخلاق جنسی در ادیان به نگارش درآمده، ولی تا آنجا که نگارنده تحقیق و جستجو کرده‌است، اثر مستقل و درخور توجهی دربارهٔ این مسئله پیدا نشد و به نظر می‌رسد که این مقاله اولین اثری است که در این زمینه به نگارش درمی‌آید.

۱. مفاهیم

۱-۱. اخلاق جنسی

بخشی از اخلاق به معنای عام است که شامل عادات، ملکات و روش‌های بشری است که با غریزه جنسی پیوند دارد. اخلاق جنسی عبارت است از: «قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار جنسی پذیرفته جامعه در زمان معین که رعایت نکردن این قواعد، غیراخلاقی و یا حتی ناهنجار تلقی می‌شود». بنابراین، اخلاق جنسی اسلامی مبین حدود روابط بین جنس مخالف در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و سایر روابط رسمی و غیررسمی برگرفته از تکیه‌گاه‌ها یا مبانی نظری و عقلانی هستی‌شناسی اسلامی است

۲-۱. عهدین

عهدین به معنای عهد عتیق و عهد جدید است که اشاره به کتاب‌های مقدس مسیحیت و یهودیت دارد.

کتاب مقدس مسیحیان به دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تقسیم می‌شود که شامل ۶۶ کتاب است. عهد عتیق از ۳۹ کتاب و عهد جدید از ۲۷ کتاب تشکیل شده است. هر بخش از تورات عهد عتیق را یک «سفر» و برخی دیگر از کتب عهد عتیق را «صحیفه» می‌نامند. عهد جدید نیز چهار انجیل کانن، رسالات حواریون مسیح و کتاب مکاشفه را تشکیل می‌دهد. یهودیان تنها عهد عتیق را به عنوان کتاب آسمانی قبول دارند، اما بیشتر مسیحیان کل کتاب را به عنوان کتاب آسمانی پذیرفته‌اند.

۲. اخلاق جنسی پیش از ازدواج در قرآن

نیاز غریزی انسان‌ها به جنس مخالف، تدبیر حکیمانانه الهی است که موجب پیوند زن و مرد و در نتیجه، تداوم نسل بشر در جهان می‌گردد. خداوند حکیم همزمان با خلق اشرف

موجودات برای او الزاماتی را ایجاد می‌کند تا رفتار جنسی انسان متناسب با شأن شریف او باشد، نه اینکه همچون حیوانات، پاسخی غریزی و عاری از هر قید اخلاقی و تدبیر انسانی باشد. از این رو، مهم‌ترین الزامات و بایدها و نبایدهای قرآن کریم در اخلاق جنسی قبل از ازدواج عبارتند از:

۲-۱. پرهیز از رابطه دوستی با جنس مخالف

به نظر می‌رسد که روابط میان دختر و پسر نامحرم را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به سه گونه تقسیم کرد: ۱- رابطه‌های معمولی که در آن انگیزه‌های جنسی مطرح نیست؛ مانند رابطه‌های علمی و شغلی. ۲- رابطه‌های عاطفی که انگیزه‌های شغلی و جنسی در آنها مطرح نیست. ۳- رابطه‌های آزاد مبتنی بر انگیزه‌های جنسی.

با توجه به آیات قرآن کریم، رابطه‌های معمولی همانند رابطه‌های علمی و شغلی که در آن انگیزه‌های جنسی مطرح نیست و با حفظ رعایت حدود الهی و حریم‌ها مانعی ندارد؛ همانند حضور حضرت مریم در اجتماع، همکاری دختران حضرت شعیب با پدرشان در دامداری و رابطه آن‌ها با حضرت موسی^(ع) (ر.ک؛ القصص / ۲۳-۲۴).

ولی قرآن کریم برای پاکدامنی به پیروانش دستور می‌دهد که از رابطه‌های عاطفی پرهیز نمایند؛ چراکه لازمه چنین امری، نگاه محبت‌آمیز، اختلاط، تبرج، خنده‌ها، شوخی‌ها و... است که هر یک از این‌ها همراه با لذت و از این رو، ممنوع و حرام هستند.

رابطه دوستی مبتنی بر رابطه جنسی نیز در قرآن به شدت منع شده است؛ چنان که دستور می‌دهد با دخترانی که روابط دوستی مخفیانه‌ای با دیگران داشته‌اند، ازدواج نکنید: ﴿...فَأَنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...﴾ آن‌ها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید و مهرشان را به خودشان بدهید، به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه به طور آشکار مرتکب زنا شوند و نه دوست پنهانی بگیرند... ﴿(النساء / ۲۵). در این آیه، «أخْدَانٍ» جمع «خدن»، در اصل به

معنی «دوست و رفیق» است، اما معمولاً به افرادی گفته می‌شود که با جنس مخالف خود ارتباط نامشروع و پنهانی برقرار می‌سازند و نیز باید توجه داشت که «خدن» هم بر «مرد» و هم بر «زن» در قرآن مجید اطلاق شده‌است و در این آیه، به وضوح معلوم می‌شود که دوستی دختر و پسر جایز نیست (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۴۹).

در روایات اسلامی نیز روابط آزاد دختر و پسر به شدت مذمت شده‌است و آن را از مصادیق شهوترانی می‌شمارند. بر اساس روایات، پیامدهایی همانند خالی کردن دل از محبت خدا (ر.ک؛ نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۱۱: ۲۳۹)، قاتل انسان، فاسدکننده دین (ر.ک؛ همان: ۳۴۳) و بیمارکننده عقل (ر.ک؛ همان: ۳۴۶-۳۴۷) را به دنبال دارد و ترک آن، بهشت را ضمانت می‌کند (ر.ک؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۵: ۲۵۱) و کسی که عقل بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می‌گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست‌تر خواهد شد (ر.ک؛ همان: ۲۱۰).

۲-۲. رعایت عفت و پاکدامنی

عفت و عفاف در لغت به معنای «امتناع و ورزیدن و خودداری از انجام امر قبیح و امر ناپسند» است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق.، ج ۹: ۲۵۴) و در اصطلاح، علم اخلاق عبارت است از «صفتی نفسانی که به موجب آن، شهوات انسان به کنترل عقل درآید» (نراقی، ۱۴۰۸ق.، ج ۲: ۱۵).

مقصود از شهوات، شهوات جنسی، شهوت شکم و خوراک، شهوت حرف زدن، شهوت جاه‌طلبی و... است. و به نظر می‌رسد که مهم‌ترین آن‌ها همان عفت دامن و پاکدامنی می‌باشد که در دین اسلام درباره آن بسیار تأکید شده‌است. قرآن کریم به افرادی که به سبب شدت فقر نمی‌توانند ازدواج کنند، دستور می‌دهد که عقیف و پاکدامن باشند: ﴿وَلَيْسَتَغْفِرِ الدِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾ و

کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند... ﴿(النور/۳۳).

همچنین، به مردان سفارش می‌کند که پاکدامن باشند و از بی‌عفتی دوری کنند، تا نظام خانواده به درستی و پاکی برقرار شود: ﴿وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُخْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ: اما زنان دیگر غیر از این‌ها، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید، در حالی که پاکدامن باشید و از زنا خودداری نمایید﴾ (النساء/۲۴). از سویی، هر گونه رابطه جنسی بدون عقد ازدواج را منع و حرام می‌داند و برای فاعل آن اشد مجازات را در نظر گرفته است: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ: هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان مجازات آنان را مشاهده کنند!﴾ (النور/۲).

۲-۳. پرهیز از همجنس‌گرایی یا لواط

قرآن رابطه همجنس‌گرایی میان مردان و زنان را تحریم کرده است و چنین رابطه‌ای را غیرطبیعی و انحراف از روال معمول می‌داند. به همین دلیل، این عمل را به شدت مذمت و منع کرده است: ﴿أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ * وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ: آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید (و همجنس‌بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!)* و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است، رها می‌کنید؟! (حَقًّا) شما قوم تجاوزگری هستید!﴾ (الشعراء/۱۶۵-۱۶۶). همچنین، از قول حضرت لوط^(ع) به قومش آمده است: ﴿أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ: آیا شما به جای زنان، از روی شهوت

به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید! ﴿النمل / ۵۵﴾. چنانچه مشاهده می‌شود، خداوند در قرآن کریم این عمل را نشانه بی‌خردی و نیز تجاوز از حدود اخلاقی دانسته است.

لواط از گناهانی است که به کبیره بودنش تصریح شده است. در زشتی لواط، همین بس که قوم لوط همگی به جرم این عمل شنیع، به بلای بزرگی دچار گشته، به دوزخ رهسپار شدند و شهرشان ویران و مایه عبرت آیندگان شد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آن‌ها فرستادیم (که آن‌ها را درهم کوبید و نابود ساخت). پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! ﴿(الأعراف / ۸۴). چون «حرمت» و فساد لواط طبق روایات از «زنا» شدیدتر و لذا عقوبت و حد آن شدیدتر از زناست و آن، کشتن می‌باشد. هرگاه لواط (کننده و دهنده) هر دو عاقل و بالغ باشند، هر دو را باید کشت و فاعل را با شمشیر، سنگسار کردن، زنده به آتش سوزانیدن یا از بالای بلندی مانند کوه پرتاب کردن با دست و پای بسته باید کشت و انتخاب نوع قتل به نظر حاکم جامع‌الشرایط است (ر.ک؛ خمینی، ۱۴۱۹ق.، ج ۲: ۴۷۰) و نیز ازدواج خواهر، مادر و دختر شخص مفعول را بر فاعل حرام کرده است (ر.ک؛ همان).

۲-۶. پرهیز از استمناء

استمناء که در عربی آن را «عادات سریه» و «خضخضه» و در فارسی، «جلق زدن» می‌نامند و این عمل در زنان، «سحق» نامیده می‌شود، عبارت است از: بیرون آوردن منی از طریق غیرطبیعی آن. این عمل در قرآن حرام است و به شدت از آن مذمت شده است. خداوند در سوره مؤمنون می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ (المؤمنون/۷-۵). یکی از ویژگی‌های انسان‌های مؤمن این است که در مسائل جنسی، خود را از آلوده شدن به گناه حفظ می‌نمایند و صرفاً از طریق ازدواج غریزه جنسی خود را

ارضا می‌کنند. سپس می‌فرماید هر کس از غیر مسیر ازدواج غریزه جنسی خودش را ارضا کند، از تجاوز کاران عمل استمنای مشمول آیه ۷ سوره مؤمنون می‌شود که می‌فرماید: «هر کسی غیر از این طریق را (برای بهره‌گیری جنسی) طلب کند، تجاوزگر است» (طوسی، ۱۳۸۸ ق، ج ۴: ۲۴۲ و قطب راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲: ۱۴۴).

کیفر استمناء، «تعزیر» است که مقدار و چگونگی آن از سوی «حاکم شرع» تعیین می‌شود (ر.ک؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۶۴۷-۶۴۹ و مفید، ۱۴۱۰ ق: ۷۹۱) و در صورت تکرار این عمل، مجازات شدیدتری برای آن در نظر گرفته شده است (ر.ک؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق: ۴۱۵).

۲-۵. پرهیز از چشم‌چرانی

چشم‌چرانی در مقابل غضب و چشم‌پوشی، به معنای نگاه خیره و شهوت‌آلود به نامحرم است که با انگیزه لذت‌طلبی جنسی انجام می‌شود. ما در روابط اجتماعی خود با دیگران، چه جنس مخالف، چه موافق، به طور طبیعی با آن‌ها ارتباط حضوری و کلامی داریم و به آن‌ها نگاه می‌کنیم؛ نگاهی که به هیچ وجه در آن بحث تحریک شهوت و لذت جنسی مطرح نیست. این نگاه‌ها داخل در مقوله چشم‌چرانی نیستند، ولی نگاه‌های ادامه‌داری که با انگیزه لذت جنسی انجام می‌شود و به تحریک شدن غریزه و میل جنسی می‌انجامد، با عنوان چشم‌چرانی تعریف می‌شود.

قرآن کریم غضب و چشم‌پوشی از نگاه به نامحرم را وظیفه مسلمانان اعلام کرده است و به زن و مرد توصیه کرده که مواظب چشمان خود باشند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! ﴿النور / ۳۰﴾. پس از آن فرمود: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ و به زنان

بایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند... ﴿النور / ۳۱﴾.

در این آیات، «غضّ بصر» مطلق است و شامل تمام زنان و مردان و نیز دختران و پسران می‌باشد و وظیفه ضروری و واجب مؤمنان را بیان می‌کند.

اسلام برای پاکدامنی پیروان خویش، حتی نگاه ریه و شنیدن سخنان نامحرم را نیز اگر از روی غرض باشد، ممنوع کرده است. این خود هشدار بی‌جا و حساب‌شده است که تماس نامشروع با نامحرمان را کنترل و محافظت می‌کند و از نظر فقهی، آن را حرام می‌داند. نگاه مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت باشد و چه بی‌آن، حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها، اگر با قصد لذت باشد، حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکنند و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم، حرام است (ر.ک؛ خمینی، ۱۳۷۵: مسئله ۲۴۴۰).

۶-۲. پرهیز از خلوت‌گزینی

منظور از خلوت‌گزینی آن است که زن و مرد یا دختر و پسر نامحرم در جایی باشند که کس دیگری جز آن دو، آنجا نباشد و کس دیگری نتواند در آن مکان وارد شود. در قرآن کریم، با جوان پاکدامنی روبه‌رو هستیم که زلیخا دام‌های متعدد خلوتی را بر سر راه عفاف و تقوای او گسترده بود و از او خواست که عمل منافی عفت انجام دهد. در اینجا، هم حضرت یوسف برای رها شدن از دام خلوتی که زلیخا برایش گسترده است، از رحمانیت خدا مدد می‌گیرد: ﴿وَرَأَوْهُ اتَّبَعَهُ وَرَأَوْنَاهُ يَلْجَأُ إِلَىٰ ظِلِّ حَائِضٍ فَقَامَ فِيهَا فَهِيَ تَلْمِزُهَا لِيَبْهِيَهَا وَأَنَّهَا لَفِي ظِلِّ حَائِضٍ وَقَالَتُ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد، درها را بست و گفت: بیا (به سوی آنچه برای تو مهیاست). (یوسف) گفت: پناه می‌برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب‌نعمت من

است، مقام مرا گرامی داشته است؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند!) ﴿یوسف / ۲۳﴾.

خداوند نیز یوسف را مشمول رحمت خود گردانید و او را حفاظت نمود: ﴿فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ پروردگارش دعای او را اجابت کرد و مکر آنان را از او بگردانید؛ چراکه او شنوا و داناست! ﴿یوسف / ۳۴﴾.

زمانی که یوسف^(ع) رهایی می یابد، باز هم خود را تبرئه شده نمی دانست و شیطان نفس را همواره در کمین می دید، مگر آنکه خدایش به او رحم کند: ﴿وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي...﴾ من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم؛ چراکه نفس (سرکش) بسیار به بدی ها امر می کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند... ﴿یوسف / ۵۳﴾.

رسول خدا^(ص) می فرماید:

«شیطان به حضرت موسی^(ع) گفت: ای موسی! با زنی که به تو محرم و یا حلال نیست، خلوت مکن (تنها مباش)، به سبب آنکه هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی کند، مگر اینکه من همراه آن دو هستم (و خودم شخصاً آن دو را برای گناه و رابطه نامشروع تحریک و وسوسه می کنم)» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۲۵: ۳۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷-۲. پرهیز از خودآرایی و خودنمایی

منظور از خودآرایی و خودنمایی، هر گونه عملی، همانند آرایش کردن، آشکار کردن زیورآلات، سخن تحریک آمیز، جلوه گری و... به قصد جلب توجه مردان بیگانه و تأثیر در دل آنان می باشد. در قرآن کریم و احادیث خودنمایی زنان نهی و حرام است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...﴾ و در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید... ﴿الأحزاب / ۳۳﴾. در این

آیه، خداوند به همسران پیامبر^(ص) فرمان داده‌است که در خانه‌هایشان بمانند و این خطاب عام است و دیگر زنان مسلمان را نیز شامل می‌شود، چون در علم اصول ثابت شده‌است که خطاب مواجهه، حکم عام را دارد، مگر آنکه دلیلی بر تخصیص آن وجود داشته باشد و اینجا دلیلی که بر تخصیص دلالت نماید، وجود ندارد.

«تبرج» به معنی آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۴۰۷ق.، ج ۱۷: ۲۹۰).

﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾
زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند ﴿(النور / ۳۱).

در این آیات، خطاب عام است؛ شامل تمام زنان و مردان مسلمان و مؤمن می‌شود و از آنجا که مردان مسلمان ملزم به رعایت حدود شرعی می‌باشند، تبرج نمی‌تواند منحصر به زنان باشد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۶: ۳۱۳). در احادیث نیز به دیگر مصداق‌های تبرج اشاره و بر نهی از آن‌ها تأکید شده‌است؛ از جمله پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و تشبه به مردان، استعمال بیش از اندازه بوی خوش و جز این‌ها که موجب جلب توجه مردان می‌شود (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق.، ج ۲: ۷۹۷ و سیوطی، ۱۴۰۶ق.، ج ۵: ۱۹۷).

۳. اخلاق جنسی پیش از ازدواج در یهودیت

۳-۱. رابطه دوست پسری و دوست دختری

در آیین یهود، رابطه رفاقتی با جنس مخالف قبل از ازدواج به منظور جلوگیری از به وجود آمدن روابط جنسی به شدت نهی شده‌است. در عهد عتیق آمده‌است: «اگر انسان دنبال شیر درنده باشد، بهتر از آن است که زنی را تعقیب نماید و شوخی، مزاح و

سبکسری، انسان را به فسق و فجور می‌کشاند» (ر.ک؛ ابراهام کوهن، ۱۳۵۰: ۱۱۶). همچنین، آمده است:

«هیچ کس نباید در کوچه و بازار پشت سر زنی راه برود، حتی اگر آن زن همسر خود او باشد، تا کسانی که نمی‌دانند آن زن زوجهٔ اوست، به او سوءظن نبرند. اگر روی پُل با زنی مواجه شدی، باید صبر کنی تا آن زن یکسو عبور کند و آنگاه خود از پُل عبور کنی و هر آن کس که عمداً از فضای زنی روان است که از نهر می‌گذرد و هنگام عبور از آب که پیراهنش را بالا می‌زند، ساق پای او را ببیند، سهمی از سعادت جهان آینده نخواهد داشت» (همان).

در حالی که رایج‌ترین موضوع در بین یهودیان و مسیحیان، رفاقت بین زنان و مردان و دختران و پسران نامحرم با یکدیگر می‌باشد. آنچه این موضوع رایج و عادی شده که نه یهودیان و مسیحیان این کار را برای خود حرام می‌دانند و نه مسلمانان تصور می‌کنند که این کار برای یهودیان و مسیحیان حرام باشد و غالباً تصویر تودهٔ مردم این است که تنها در دین اسلام از این کارها منع شده است. این رفتار بر اثر اباحه‌گری و سهل‌انگاری در اجرای احکام دینی آنان رخ داده است و آنان را به این نوع هنجارشکنی دینی و ولنگاری کشانده است. پس نمی‌توان این رفتار را به دین آن‌ها نسبت داد، بلکه اشکال از دینداری آن‌هاست.

۲-۳. عفت و پاکدامنی

در عهد عتیق، برای جلوگیری از بی‌عفتی و بی‌بندوباری جنسی و حفظ گوهر وجودی انسان از آلودگی هشدارها و نصیحت‌های اخلاقی و معنوی بسیاری شده است.

کتاب «امثال» که بنا بر عقیدهٔ یهودیان به دست «سلیمان نبی» که خردمندترین مرد جهان می‌باشد، نوشته شده، کتابی است که در آن، دو نوع انسان معرفی می‌شود: انسانی که فقط به دنبال ارضای نَفْس خود است و انسانی که در راه کسب رضای پروردگار قدم

برمی‌دارد. در این کتاب که با نصایحی حکیمانه به دنبال سوق دادن انسان به سوی فضایل اخلاقی و دوری از رذایل نفسانی است، دربارهٔ عفت و بی‌عفتی آمده‌است:

«ای پسر! سخنان حکیمانه مرا گوش کن و به بصیرت من توجه نما. آنگاه خواهی دانست چگونه درست رفتار کنی و سخنان تو نشان خواهد داد که از دانایی برخوردار هستی. زن بدکاره چرب‌زبان است و سخنان او مانند عسل شیرین می‌باشد، ولی عاقبت جز تلخی و درد چیزی برای تو باقی نمی‌گذارد. زن بدکاره تو را به سوی جهنم و مرگ می‌کشاند؛ زیرا او از راه زندگی منحرف و سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود. ای جوانان! به من گوش دهید و آنچه را که می‌خواهم به شما بگویم، هرگز فراموش نکنید: از چنین زنی دوری کنید. حتی به در خانه‌اش هم نزدیک نشوید. مبادا در دام وسوسه‌هایش گرفتار شوید و حیثیت خود را از دست بدهید...» (عهد عتیق، امثال، باب ۵: فقره ۱-۲۳).

در جای دیگری، سلیمان زبان به نصیحت باز می‌کند و با بیان خاطره‌ای جوانان را به عفاف و پاکدامنی دعوت می‌کند:

«پسر! نصایح مرا بشنو و همیشه آن‌ها را به یاد داشته باش. اوامر مرا به جا آور تا زنده بمانی. تعلیم مرا مانند مردمک چشم خود حفظ کن. آن را آویزه گوش خود بساز و در اعماق دل خود نگه دار. حکمت را خواهر خود بدان و بصیرت را دوست خود. بگذار حکمت تو را از رفتن به دنبال زنان هرزه و گوش دادن به سخنان فریبندهٔ ایشان بازدارد. یک روز از پنجرهٔ خانه‌ام بیرون را تماشا می‌کردم. یکی از جوانان احمق و جاهل را دیدم که در تاریکی شب، از کوچه‌ای که در آن، خانهٔ زنی بدکار قرار داشت، می‌گذشت. آن زن در حالی که لباس وسوسه‌انگیزی به تن داشت و نقشه‌های پلیدی در سر می‌پروراند، به سویش آمد. او زن گستاخ و بی‌شرمی بود و اغلب در کوچه و بازار پرسه می‌زد تا در هر گوشه و کناری مردان را بفریبد... (زن) با نگاهی فریبنده گفت: امروز نذر خود را ادا کردم و گوشت قربانی در خانه آماده‌است. پس برای یافتن تو از خانه بیرون آمدم. در جستجوی تو بودم که تو را دیدم... به این ترتیب، با سخنان

فریبنده و وسوسه‌انگیزش آن جوان را اغوا کرد، به طوری که او مثل گاوی که به کشتارگاه می‌رود، چون گوزن به دام افتاده‌ای که در انتظار تیری باشد که قلبش را بشکافد، به دنبال آن فاحشه رفت... ای جوانان به من گوش دهید و به سخنانم توجه کنید. نگذارید چنین زنی دل شما را برباید. از او دور شوید، مبادا شما را به گمراهی بکشاند. او بسیاری را خانه‌خراب کرده‌است و مردان زیادی قربانی هوسرانی‌های او شده‌اند. خانه او راهی است به سوی مرگ و هلاکت». (همان، ب: ۷: فقره ۱-۲۷).

تلقی کلی یهودیان آن است که تساهل در این روابط، مخرب صفات عالی روابط انسانی است، روابط جنسی را به ابتذال می‌کشاند و مناعت نفس را تضييع می‌نماید. در متون دینی یهودیت، زنا و رابطه نامشروع ممنوع و حرام است و مقرر می‌دارد که یهودیان نباید مرتکب زنا شوند. چه پیش از ازدواج و چه بعد از ازدواج، مجازات کسی که به عمل بی‌عفتی زنا آلوده شود، سنگسار و مرگ است. درباره دختری که عمل زشت زنا را مرتکب شود و در خانه شوهرش معلوم شود که قبلاً چنین کار شنیعی را مرتکب شده‌است، می‌نویسد: «... اگر علامت بکارت آن دختر پیدا نشود، آنگاه دختر را نزد در خانه پدرش بیرون آورند و اهل شهرش او را با سنگ سنگسار نمایند تا بمیرد...» (همان، سفر تشیه، باب ۲۲: فقره ۲۱).

همچنین، در تورات آمده‌است: «شریعت موسوی قوم اسرائیل را منع می‌کند که دختران را به زنا وادارند و اگر دختر کاهنی زنا کند، باید سوخته شود» (همان، سفر لاویان، باب ۹: فقره ۱۴).

۳-۳. لواط یا همجنس‌گرایی

عمل زشت و پلید لواط نیز بارها در تورات ممنوع و حرام اعلام شده‌است و می‌نویسند: «... و با ذکور مثل زن جماع مکن؛ زیرا که این از فجور است» (همان، باب ۲۲: فقره ۱۸). در مجازات عمل شنیع لواط، برای افرادی که چنین عمل زشتی را مرتکب

می‌شوند، مجازات مرگ را تعیین نموده‌است: «... اگر مردی با مردی مثل زن بخوابد، هر دو فجور کرده‌اند. هر دوی ایشان البته کشته شوند و خون ایشان بر خود ایشان است...» (همان، باب ۱۳: فقرة ۲۰).

احتمال وقوع فعالیت همجنس‌گرایی در میان زنان در بحثی در تلمود بابلی پذیرفته شده‌است. حکمی که در آنجا صادر شده، این است که زنی که اقدام به همجنس‌گرایی کند، صلاحیت ازدواج با روحانی اعظم را ندارد. از آنجا که این حکم درباره‌ی زنان مطلقه و روسپی هم جاری است، روشن نیست که در این تعبیر، چه هدف اخلاقی وجود داشته‌است، اما قطعاً به نظر می‌رسد که همجنس‌گرایی مردان از همجنس‌گرایی زنان جدی‌تر تلقی می‌شده‌است. بدون تردید، این، نفس عمل (و نه شخص) است که محکوم است.

۳-۴. خودارضایی یا استمناء

هلاخا استمنای مردان را نیز ممنوع کرده‌است؛ زیرا فرضش بر آن است که هیچ‌کس نمی‌تواند خود را کاملاً مالک غریزه جنسی خود بداند، ولی در مجموعه‌های هلاخایی، استمنای زنان به صراحت منع نشده‌است؛ زیرا در میان مراجع قرون وسطی، چون و چراهای مهمی در این باب وجود داشته‌است. از همین رو، ربی یعقوب بن مئیر (قرن دوازدهم) استمنای زنان را مجاز می‌شمرد؛ زیرا «نطفه» زن برخلاف نطفه مرد از بدنش بیرون نمی‌آید. دیگر هلاخائیان قدیم با این رأی موافق نیستند و استمناء را برای زنان نیز ممنوع می‌دانند. زوهر درباره‌ی استمنای مردان می‌گوید:

«در این جهان، از همه گناهانی که آدمی خود را با آنها به پلیدی می‌آلاید، این گناهی است که بیشترین پلیدی را می‌آورد. هلاخا برای جلوگیری از احتمال استمناء مجموعه‌ای از حدود احتیاطی را قرار داده‌است. مردان نباید به‌عمد در خود باعث نعوظ شوند، یا درباره‌ی امور جنسی فکر کنند، یا به پشت بخوابند، یا عمل جنسی حیوانات را تماشا کنند، یا عضو جنسی خود را، حتی به هنگام ادرار

کردن در دست گیرند و یا اینکه شورت‌های چسبان بپوشند» (آلن آنترمن، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

ویل دورانت نیز روش‌هایی را که سنت یهود برای جلوگیری از انحرافات جنسی، همچون استمناء وضع کرده‌اند، چنین می‌نویسد:

«از آنجا که تمام شالوده حیات یهود بر ازدواج و دیانت استوار بود، ربنها همه کمالات و فصاحت خویش را مصروف بحث درباره زناشویی کردند. ولع آدمی را به روابط جنسی نکوهیده نشمردند، لیکن چون از نیروی آن هراس داشتند، سخت در مهار آن کوشیدند. برخی تجویز کردند که به منظور کاهش مایع منی، باید مقداری نمک با نان خورد. بعضی دیگر معتقد بودند که تنها راه جلوگیری از وسوسه‌های جنسی، سخت‌کوشی همراه با مطالعه تورات است. اگر این روش سودی نبخشید، بهتر است مرد به جایی رود که ناشناس باشد، پوشاک سیاه بر تن کند و تمنیات قلبی خویش را برآورد، اما نباید آشکارا نام امت را آلوده سازد. شخص باید از هر وضعی که شور و شهوات نفسانی را برانگیزد، دوری جوید. نباید بیش از اندازه با زنان تکلم کند و هرگز نباید به هنگام راه رفتن، پشت سر زنی، حتی زن خویش قدم بردارد. مرد اگر عقب شیر ژیان گام بردارد، بهتر است تا پشت سر زنی حرکت نکند...» (ر.ک؛ دورانت، ۱۳۷۰: ۲۰۴۴).

۳-۵. اختلاط

در متون دینی یهود، اختلاط دختر و پسر به شدت منع شده است. در کتاب روت آمده است:

«و بوغر به روت گفت: ای دختر، مگر نمی‌شنوی؟ به هیچ کشتزار دیگر برای خوشه چینی مرو و اینجا هم مگذر، بلکه با کنیزان من در اینجا باش و چشمانت به زمین که می‌دروند، نگران باشد و در عقب ایشان برو. آیا جوانان را

حکم نکردم ترا لمس نکنند و اگر تشنه باشی، نزد ظروف ایشان برو و از آنچه جوانان می‌کشند، بنوش» (عهد عتیق، روت، باب ۲: فقره ۱۰۸).

هلاخا روابط اجتماعی میان دو جنس را به شدت محدود می‌کند. همچنین، «مردان را ترغیب می‌کند که از زن‌ها فاصله بگیرند، در جمع آنان حرکات سبک انجام ندهند، به زیبایی آن‌ها خیره نمانند، عطر ایشان را نبینند و پشت سر آنان راه نروند...» (آنترمن، ۱۳۸۵: ۲۲۳). هلاخا ممنوع کرده‌است که مرد از کنار یک روسپی‌خانه رد شود، یا به آواز زن گوش دهد، یا در جای خلوت از کمک زنی بهره‌گیرد، و یا آنکه یکی از خویشاوندان نزدیک را جز درباره والدین نسبت به فرزندان نابالغ آنان، در آغوش گیرد و ببوسد. این منع در باب تنها ماندن با جنس مخالف در اتاق یا خانه‌ای در بسته که به «ییحود» مشهور است نیز وجود دارد. این مسئله قطع نظر از اینکه آیا یک طرف یا هر دوی آنان ازدواج کرده‌اند یا نه، و نیز اینکه آیا طرف، یهودی است یا بیگانه، مطرح است، ولی استثنای آن عبارتند از: والدین با فرزندان، زن و شوهرها، و فرد بالغ با دختر کمتر از سه سال، یا پسر کمتر از نه سال. به گونه‌ای مشابه، گماشتن مردی به مقام عهده‌گیری مسئولیت زنان در جایی که به او فرصت انس با آنان را خواهد داد، ممنوع شده‌است. همین نهی در باب مرد یا زن مجردی که بخواهد مربی کودکان نوپا باشد نیز بسط می‌یابد؛ زیرا وی هنگامی که پدر یا مادر برای گرفتن بچه می‌آید، مدام در تماس با جنس مخالف قرار خواهد گرفت (ر.ک؛ همان).

۶-۳. چشم‌چرانی

از منظر تعالیم یهود، چشم‌چرانی و شهوترانی با نگاه نیز یک عمل منافی عفت محسوب می‌شود. لذا در احکام تورات آمده‌است: «نه تنها کسی که با جسم خود زنا می‌کند، زناکار است، بلکه آن شخص هم که با چشمان خود نگاه شهوت‌آمیز می‌کند، زناکار خوانده می‌شود» (ر.ک؛ کوهن، ۱۳۵۰: ۱۸۶). همچنین، آمده‌است: «شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا شود» (همان).

در کتاب یسوع بن سیرا دربارهٔ ممنوعیت نگاه به نامحرم چنین آمده است: «به دختر جوان خیره مشو، نگاه خویش از زیبا بگردان و به زیباروی بیگانه خیره مشو. چه بسیار کسان که زیبایی زن آنان را به گمراهی کشانده است و عشق چون آتش آن‌ها برافروخته گشته است» (ر.ک؛ حمزه، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

۷-۳. پرهیز از خودآرایی و خودنمایی

دربارهٔ نهی از آرایش در برابر نامحرم نیز در تورات، بخش اشعیای نبی آمده است: «خداوند می گوید از این رو که دختران صهیون از خلخال، پیشانی‌بند، هلال، گوشواره، دستبند، زنجیر، عطردان، انگشتر و حلقهٔ بینی در برابر مردان استفاده می کنند، عذاب بر قوم صهیون نازل خواهد شد» (عهد عتیق، اشعیای نبی، باب ۳: فقره ۱۶-۲۶).

۴. اخلاق جنسی پیش از ازدواج در انجیل

قبل از ورود به مطلب مورد نظر، باید توجه داشت که کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش تشکیل شده است. یهود اعتقاد به عهد عتیق دارد که آن متشکل از ۳۹ سفر (کتاب) است که پنج سفر آن را تورات تشکیل می دهد و بقیه معروف به ملحقات تورات است و مسیحیان هم عهد عتیق را قبول دارند و هم عهد جدید را که خود مشتمل بر ۲۷ سفر است که چهار کتاب آن، چهار انجیل معروف (لوقا، مرقس، یوحنا و متی) می باشد. ۲۳ سفر دیگر آن معروف به ملحقات انجیل است و اعتبار عهد عتیق در نزد مسیحیان به این دلیل است که در اوایل عهد جدید آمده است:

«گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیا را منسوخ کنم. من آمده ام تا آن‌ها را تکمیل نمایم و به انجام برسانم. به راستی به شما می گویم که از میان احکام تورات، هر آنچه که باید عملی شود، یقیناً همه یک به یک عملی خواهد شد. پس اگر کسی از کوچک ترین حکم آن سرپیچی

کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچک‌تر خواهد بود...» (عهد جدید، انجیل متی، باب ۵: فقره ۱۷-۱۹).

نکته مورد توجه این است که رهبانیت و انزواطلبی موجود در دین مسیح و ترغیب و تشویقی که این آیین نسبت به دوری از ازدواج دارد، باعث شده‌است که برای رسیدن به این هدف دستورهای سخت‌تری را برای پیروان خود وضع کنند تا آنکه شخص دور از هر گونه تحریک جنسی و در محیطی کاملاً آرام به رهبانیت و عبادت خود پردازد. در اینجا به چند مورد از دستورهای مسیحیت که در عهد جدید آمده‌است، اشاره می‌شود.

۴-۱. عفت و پاکدامنی

در عهد جدید، نامه‌هایی از پولس طرسوسی خطاب به اشخاص و گروه‌های مختلف آورده شده‌است. از این نامه‌ها می‌توان به نامه او به «تیطوس» نام برد. تیطوس جوانی مؤمن، فداکار و مورد اعتماد پولس بود، به طوری که پولس اغلب مسئولیت‌های سنگین را به عهده او می‌گذاشت و بعد از آنکه رهبر کلیسای «کریت» شد، پولس نامه‌ای به او می‌نویسد تا وظیفه یک رهبر خوب مسیحی را برای او شرح دهد و از او بخواهد تا مردم «کریت» را از کارهای فاسد و کثیف دور کند و در این میان، درباره زنان می‌نویسد:

«به زنان سالخورده بیاموز که در زندگی و رفتار خود موقر و سنگین باشند، غیبت نکنند، اسیر شراب نشوند و در اعمال نیک نمونه باشند تا بتوانند به زنان جوان‌تر یاد دهند که چطور شوهر و فرزندان خود را دوست بدارند، عاقل و پاکدامن باشند و کدبانویی شایسته و همسری شریف» (عهد جدید، نامه پولس به تیطوس، باب ۲: فقره ۳-۵).

همچنین، در جواب سؤالات مؤمنان کلیسای «قرنس» می‌نویسد:

«اگر کسی از بین خودتان ادعا می‌کند که برادر مسیحی شماست، اما در عین حال زناکار، طمع‌کار، بدزبان، بت‌پرست، مشروب‌خوار و یا فریبکار است،

با او معاشرت نکنید. با چنین کسی حتی بر سرِ یک سفره هم نشینید» (عهد جدید، نامه اول پولس به قرنتیان، باب ۵: فقره ۱۱).

البته نکته شایسته توجهی در اینجا وجود دارد و آن این است که با تمام تأکیدهایی که در عهد قدیم و عهد جدید بر عفاف و دوری از هرزگی شده است، ولی با کمال تأسف کتاب مقدس، انبیا و اولیای الهی را انسان‌هایی فاسد معرفی می‌کند، به گونه‌ای که انسان بعد از خواندن این مطالب، انگشت حیرت به دهان می‌گیرد! از جمله نسبت زنا به حضرت داوود^(ع) (عهد عتیق، سماعیل دوم: فقره ۲۷)، نسبت زنا با محارم به حضرت لوط (عهد عتیق، پیدایش باغ ۹: فقره ۳۰ تا ۳۶) و نسبت بی‌غیرتی به حضرت ابراهیم (عهد عتیق، پیدایش ۱۲: فقره ۱۰ تا ۱۹) و درباره عمران، پدر موسی، می‌گوید: «عمرام (عمران) با عمه خود ازدواج می‌کند و موسی به دنیا می‌آید». این مطلب نشانگر آن است که تورات و انجیل فعلی دستخوش تحریفات بسیاری است که موارد یادشده نمونه‌هایی از همان تحریف‌هاست.

۴-۲. خودارضایی

عهد جدید در هیچ جا به صورت مستقیم و غیرمستقیم در باب عمل خودارضایی صحبت و آن را محکوم نکرده است، بلکه فکر ناپاک را محکوم نموده است، خودارضایی در ذات خود ناپاک نیست، ولی کسی که خودارضایی را با فکر ناپاک انجام می‌دهد، گناهی را مرتکب شده است. در کتاب مقدس آمده است: «اما کسی که درباره خوردن خوراکی دچار تردید است، اگر آن را بخورد محکوم می‌شود؛ زیرا با ایمان نخورده است و آنچه از ایمان نباشد، گناه است» (عهد جدید، رومیان، باب ۱۴: فقره ۲۳). این فقره از کتاب مقدس همچون زنگی است که هر زمان شخصی از محدوده مجاز کتاب مقدس خارج شود، به صدا درآید. انجام عملی پاک، ولی با شک یا تصور اینکه گناه است، برای ما به همان اندازه مخرب خواهد بود، البته اگر آن عمل حقیقتاً گناه باشد. مشکل

اینجاست که شخص در آن هنگام با این باور که آن عمل گناه است، به صورت اختیاری آن را انجام داده‌است و این عمل در نفس خود مخرب است.

۳-۴. همجنس‌گرایی یا لواط

در عهد جدید، حضرت عیسی^(ع) مستقیماً از همجنس‌گرایی سخنی به میان نمی‌آورد، اما دربارهٔ تأهل صحبت می‌کند که در آن مرد و زن یک تن می‌شوند و این خواست خداست (ر.ک؛ ترورشاتون، ۱۳۷۸: ۳۴۲). اما پولس رسول با لحنی شدید از فساد که در جامعه می‌بیند، سخن می‌گوید: «زنانشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است، تبدیل کردند و مردان نیز استعمال طبیعی زنان را ترک گفتند و در آتش شهوت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب عمل شنیع شد!» (عهد جدید، رسالهٔ پولس رسول به رومیان، باب ۲: فقره ۶-۷). در جای دیگر، پولس رسول با صراحت لهجه سخن می‌گوید: «فریب‌مخورد؛ زیرا فاسقان، بُت‌پرستان، زانیان، لواطان، دزدان، میگساران، فحاشان و طمع‌کاران وارث ملکوت خدا نخواهند شد» (عهد جدید، رسالهٔ پولس رسول به قرنیان، باب ۶: فقره ۶-۱۰). این گونه محکومیت‌ها تا دههٔ ۱۹۵۰ در افکار اغلب مسیحیان اثر گذاشت و از نظر اغلب مردم، نفس این عمل تصورناپذیر و فعل آن اشمئزاز‌آور و غیرطبیعی بود و وجود این نگرش در افکار عمومی باعث شد که همجنس‌گرایان احساس گناه و آلودگی کنند و در نتیجه، به پنهان‌کاری و فریب‌کشانده شده، هدف باجگیران و فریبکاران قرار گرفتند (ر.ک؛ ترورشاتون، ۱۳۷۸: ۳۴۳). در دههٔ ۱۹۵۰، این طرز تلقی تغییر کرد و انتشار گزارش ولفندن در بریتانیا سبب شد که پارلمان بریتانیا مجازات سخت رفتارهای همجنس‌گرایانه را کنار بگذارد که در پی آن، انجام فعل همجنس‌گرایانه به طور خصوصی، در میان بزرگسالان در سن رضایت علنی شد. در پی آن، همجنس‌گرایان از خفا خارج شدند و خود را «گی»، یعنی «شاد» نامیدند (ر.ک؛ همان) و از آن زمان، همجنس‌گرایی و مساحقه عملاً در اغلب کشورهای مسیحی به رسمیت شناخته شد و برای آن قوانین خاصی تدوین کردند.

۴-۴. چشم‌چرانی

در *انجیل متی* که از همهٔ *انجیل‌ها* مفصل‌تر است و زندگی عیسی را با جزئیات بیشتری بیان کرده‌است و اعتقاد سنتی مسیحی بر این است که این *انجیل* از دیگر *اناجیل* قدیمی‌تر می‌باشد و به دست *متی*، از حواریون عیسی، نوشته شده‌است، دربارهٔ *عفت نگاه* و چشم‌پوشی از نامحرم می‌نویسد:

«گفته شده‌است که زنا مکن! ولی من می‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت‌آلود به زنی نگاه کنی، همان لحظه در دل خود با او زنا کرده‌ای. پس اگر چشمی که برایت این قدر عزیز است، باعث می‌شود که گناه کنی، آن را از حدقه درآور و به دور افکن. بهتر است بدنت ناقص باشد تا اینکه تمام وجودت به جهنم بیفتد» (عهد جدید، متی، باب ۵: فقره ۲۷-۲۹).

۴-۵. پرهیز از خودآرایی و خودنمایی

در کتاب مقدس برای از بین بردن هرگونه تحریک و تهییج، خودنمایی و خودآرایی زنان به شدت منع شده‌است: «... و همچنین، زنان خویشان را بیارایند به لباس مُزین به حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت گران‌بها، بلکه چنان که زنانی را می‌شاید که دعوی دینداری می‌کند، به اعمال صالحه...» (عهد جدید، رسالهٔ پولس به تیموناؤس، باب دوم: فقره ۹-۱۵).

ویل دورانت دربارهٔ سیرهٔ عملی زنان مسیحی سافین در کتاب *تاریخ تمدن* می‌نویسد:

«ساق پای زنان چیزی نبود که در ملاء عام و یا رایگان به چشم خورد... البسهٔ بانوان در جشن‌های نظامی موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردینال درازای جامه‌های خواتین را معین می‌کردند. هنگامی که کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی داشتند، به دستور زن‌ها، چادر را از مشمش ظریف و حریر زربافت ساختند...» (ویل دورانت، ۱۳۹۱: ۷۵۷).

به نظر می‌رسد که یکی از عوامل و علل پدیده بی‌بندوباری موجود غربی، سختگیری جنسی و وجود محدودیت‌های قانونی و سنت‌های مخالف فطرت انسانی، در امر روابط و اختلاط بود که از آن جمله، زشت شمردن امر آمیزش جنسی در سنت مسیحی، تحریم طلاق از طرف کلیسا، زن را قرین و همراه شیطان شمردن و عنوان اغواگر و فریب‌دهنده به او دادن را می‌توان نام برد که سرانجام، به بروز عقده‌های جنسی منجر شد.

۵. شباهت‌ها و تفاوت‌ها سه دین ابراهیمی در اخلاق جنسی قبل از ازدواج

۱-۵. شباهت‌ها

۱-۵-۱. رابطه صمیمانه و عمدتاً مخفیانه دختر و پسر در قرآن کریم منع شده است و قرآن کریم دستور می‌دهد دخترانی که روابط دوستی مخفیانه با دیگران داشته‌اند، ازدواج نکنند. در تورات هم از رابطه رفاقت با جنس مخالف قبل از ازدواج به منظور جلوگیری از پدید آمدن روابط جنسی به شدت منع شده است و نیز از برخی عبارات عهد جدید استفاده می‌شود که این گونه رابطه ممنوع است.

۲-۱-۵. هر سه کتاب تأکید به عفت و پاکدامنی می‌کنند و بی‌عفتی و روابط جنسی قبل از ازدواج را غیرممکن و نامشروع می‌دانند و برای فاعل آن مجازات معرفی می‌کنند. تلقی یهودیان آن است که تساهل در این روابط مخرب، صفات عالی انسانی هستند و روابط جنسی را به ابتذال می‌کشانند و مناعت نفس را تضييع می‌نمایند. اسلام نیز قویاً سفارش می‌کند که زنان و مردان پیش از ازدواج عقیف بمانند.

۳-۱-۵. خودارضاعی و استمناء در قرآن حرام و به شدت از آن مذمت شده است و در عهدین نیز این امر نکوهش شده است.

۴-۱-۵. قرآن کریم غضب بصر و چشم‌پوشی از نگاه به نامحرم را وظیفه مسلمانان می‌داند و به تمام زنان و مردان و نیز پسران و دختران تأکید کرده است که مواظب چشمان

خود باشند و در تعالیم یهود، چشم‌چرانی یک عمل منافی عفت محسوب می‌شود و در عهد جدید نیز تأکید به عفت نگاه و چشم‌پوشی از نامحرم شده‌است.

۵-۱-۵. قرآن همجنس‌گرایی میان زنان و مردان را تحریم کرده‌است و چنین رابطه‌ای را غیرطبیعی و انحراف از زوال معمولی می‌داند و برای همجنس‌گرایی مجازات شدیدی در نظر گرفته‌است و در عهدین از آن منع شده‌است.

۵-۱-۶. در قرآن کریم و کتاب مقدس، از خودنمایی و خودآرایی زنان به شدت منع شده‌است.

۲-۵. تفاوت‌ها

۵-۲-۱. مهم‌ترین تفاوت‌های اسلام با یهویت و مسیحیت این است که در اسلام هر نوع رابطه‌ای میان دختر و پسر منع نشده‌است و روابط دختر و پسر را در روابط علمی و شغلی با حفظ رعایت حریم‌ها جایز می‌داند، ولی متون دینی یهودیت و مسیحیت هر نوع رابطه‌ای را جایز نمی‌دانند.

۵-۲-۲. در تورات، همجنس‌گرایی مردان از زنان جدی‌تر تلقی می‌شود. هم‌جنس‌بازی برای زنان با صراحت در کتاب مقدس منع نشده‌است، ولی مورد نهي هلاخا قرار می‌گیرد و اعدامی که برای آن در نظر گرفته شده، شامل مردان همجنس‌گراست و در تلمود بابلی، زنی که اقدام به همجنس‌بازی کند، فقط صلاحیت ازدواج با روحانی اعظم را ندارد. در انجیل نیز فقط دو مورد در نامه پولس رسول به رومیان و قرنیان درباره همجنس‌گرایی اشاره شده‌است و هیچ‌گونه مجازات و عقابی در نظر گرفته نشده‌است. ولی در قرآن، این امر به شدت مذمت و برای آن عذاب و عقاب دنیا و آخرت در نظر گرفته شده‌است و در ابواب حدود اسلامی، حد آن اعدام می‌باشد و یا حتی برای کسانی که مراتب پایین‌تر همجنس‌گرایی را انجام می‌دهند، در مجازات آن از ۳۰ تا ۶۰ تازیانه برای لواط مردها و حکم اعدام برای سومین مسأقه زنان صادر شده‌است.

۳-۲-۵. در عهد جدید، یادی از استمناء و خودارضاعی نشده، آن را محکوم نکرده‌است و در مجموعه هلاخایی نیز استمناء زنان به صراحت منع نشده‌است؛ زیرا در میان مراجع قرون وسطی در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد و برخی آن را جایز و برخی دیگر با آن مخالف هستند، ولی در قرآن به شدت از آن مذمت شده‌است.

۴-۲-۵. درباره رابطه دختران و پسران و زنان و مردان نامحرم، قرآن راه اعتدال را ارائه می‌دهد و معتقد است که اعتدال در روابط دختر و پسر آن است که از هر گونه افراط و تفریط پرهیز شود و برای هر نوع حضور اجتماعی دختران و زنان و نیز اختلاط و معاشرت آنان با پسران و مردان، بایدها و نبایدهای اخلاقی را توصیه می‌نماید. درباره حضور اجتماعی زن این قید بیان شده‌است که باید از هر آنچه موجب فتنه و فساد می‌شود، اجتناب کرد و معیار و میزان، ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم‌هاست.

نتیجه‌گیری

- از آنجا که برخی مفاهیم اخلاقی فطری است و در سرشت همه انسان‌ها وجود دارد و برخی دیگر غیرفطری و اکتسابی هستند، غالب بایدها و نبایدهای اخلاق جنسی و اخلاق جنسی پیش از ازدواج با هم شباهت دارند و در برخی از موارد، تفاوت‌هایی دارند که این تفاوت خود بیانگر تطور این سه دین در طول تاریخ هستند؛ به عبارت دیگر، از آنجا که آموزه‌های اخلاق جنسی پیش از ازدواج اخلاقی هستند، نه به عنوان آیین و دستور دینی، در بسیاری از موارد با هم شباهت دارند و در برخی موارد جزئی نیز با هم تفاوت دارند. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیانگر قرابت و تطور ادیان ابراهیمی از زمان حضرت موسی^(ع) تا پیامبر خاتم^(ص) است.

- در قرآن و عهدین، رابطه دوست‌دختری و دوست‌پسری ممنوع و حرام است و هر سه دین بر عفت و پاکدامنی دختران و پسران تأکید می‌کنند و بی‌عفتی و روابط جنسی قبل از ازدواج را غیرممکن و نامشروع می‌دانند و برای فاعل آن مجازات دارند. همچنین،

خودارضاعی را ممنوع و حرام می‌دانند و لواط و همجنس‌گرایی نیز ممنوع و حرام است و چشم‌چرانی و شهوترانی با نگاه نیز یک عمل منافی عفت محسوب می‌شود.

- برخی از تفاوت‌های قرآن و عهدین در اخلاق جنسی قبل از ازدواج این است که از همجنس‌گرایی در تورات به صراحت منع نشده است و در عهد عتیق یادی از استمناء نیست، ولی در مجموعه‌های هلاخایی، برخی با استمنای زنان موافق و برخی دیگر مخالف هستند. درباره لواط، استمناء و مساحقه هیچ اشاره‌ای در انجیل نشده است و مسیحیان در این زمینه نظرات ضد و نقیض دارند، چنانچه برخی کلیساها عقد همجنس‌گرایان را می‌بندند و برخی دیگر آن را مطرود می‌دانند، ولی در قرآن به شدت از آن منع شده است و برای آن عقاب و مجازات دنیا و آخرت در نظر گرفته شده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آنرمن، آلن. (۱۳۸۵). *باورها و آیین‌های یهودی*. ترجمه رضا فرزین. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ابن حمزه، محمد بن علی. (۱۴۰۸ ق.). *الوسیله*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار البیت العلمیة.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق.). *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراف*. قم: انتشارات بیدار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ ق.). *لسان العرب*. ج ۱. بی‌جا: نشر الأدب الحوزة.
- خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۹ ق.). *تحریر الوسیله*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ . (۱۳۷۵). *رسالة توضیح المسائل*. قم: نشر روح.

- شاتون، ترور. (۱۳۷۸). *اخلاق در شش دین جهان*. ترجمه محمدحسین وقاری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شریف‌الرضی، محمدبن حسین. (۱۳۸۳). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- کتاب مقدس*. (۱۳۸۰). ترجمه فاضل خان همدانی. تهران: اساطیر.
- کوهن، ابراهام. (۱۳۵۰). *گنجینه‌ای از تلمود*. ترجمه امیرفریدون گرگانی. تهران: اساطیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- حاکم نیشابوری، عبدالله. (۱۴۱۳ق.). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حمزه، عباس. (۱۳۸۵). *حجاب در ادیان الهی*. قم: یاقوت.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
- راوندی، قطب‌الدین. (۱۴۰۵ق.). *فقه القرآن*. بی جا: بی نا.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۶ق.). *در المشورفی تفسیر المآثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صدوق، ابوجعفر بن علی بن الحسین. (۱۳۶۸). *ثواب الأعمال*. قم: انتشارات امیر طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۸۸ق.). *المبسوط*. ج ۴. تهران: مرتضوی.
- غزالی، ابوحامد محمد. (۱۴۱۶ق.). *احیاء العلوم الدّین*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

- کلابو، لاتون. (۱۳۷۸). *اخلاق در شش دین جهان*. ترجمه محمدحسین وقاری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- متقی الهندی، علاءالدین. (۱۴۰۹ق.). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. بیروت: مؤسسة الرسالات.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۵). *میزان الحکمة*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- _____ . (۱۳۷۵). *اخلاق جنسی*. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ معین*. ج ۱۲. تهران: سرایش.
- مفید، محمدبن نعمان. (۱۳۸۳). *الأمالی*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- مفید، محمدبن نعمان. (۱۴۱۰ق.). *المقنعه*. قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- نجفی، محمدحسین. (۱۳۶۲). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*. ج ۴۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مهدی. (۱۴۰۸ق.). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق.). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت.
- ویل دورانت. (۱۳۹۱). *تاریخ تمدن*. ترجمه سهیل آذری. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.